

متن بیانات موسی سیف امیرحسینی نماینده دادستان استان مرکز در شعبه چهارم دادگاه جنائی مرکز (محاکمه ۱۸ نفر دانشجویان علم و صنعت):

پس از حمد پروردگار عالم و درود بی پایان بر فرستادگار پاکش از آدم (ع) تا خاتم (ص) و تعظیم در برابر مقام والای علی بن ابی طالب علیه السلام ولی الله اعظم و یازده فرزند پاکش هادیان ام با اجازه مقام ریاست دادگاه عالی جنائی و دادرسان محترم با بیان مقدمه ای وارد اصل موضوع میشوم :

اولاً : " اصولی چند از قانون اساسی ایران و متمم آنرا عیناً قرائت میکنم کدام قوانین است و مورد قبول کلیه مقامات مملکتی میباشد .

اصل اول متمم قانون اساسی ایران : (مذهب رسمی ایران اسلام و طریقه حقه نجفیه اثنی عشریه است باید پیکادشاه ایران دارا و مروج این مذهب باشد .)

اصل دوم : (مجلس مقدس شورا بمطبی که بتوجه و تائید حضرت امام عصر عجل الله تعالی فرجه و بذل مرحمت اعلیحضرت شاهنشاه اسلام خلد الله ، سلطان و مراقب حج اسلامیه کثر الله ، امثالهم و ، عامه ملت ایران تأسیس شده است باید در هیچ عصری از اعمار مواد قانونیه آن مخالفتی با قواعد مقدس اسلام و قوانین موضوعه حضرت خیرالانام صلی الله علیه و آله و سلم نداشته باشد .)

اصل بست و هفتم : (قوای مملکت بسه شعبه تجزیه میشود اول قوه مقننه که مخصوص است به وضع و تهذیب قوانین و این قوه ناشی میشود از اعلیحضرت شاهنشاهی و مجلس شورای ملی و مجلس سنا و هریک از سه منشأ حق انشاء قانون را دارد ولی استقرار آن موقوف است به عدم مخالفت با موازین شرعی و تصویب مجلسین و توشیح بصدّه همایونی .)

ثانیاً : محیط دادگاه از لحاظ علمی در سطح دادگاههای معمولی که همه روزه تشکیل میگردد نمیباشد ریاست دادگاه و دادرسان محترم با سوابق معتد علمی و تجارب ذیقیمت علمی و تقوای شغلی در سطح بالائی قرار دادند که مورد احترام همگان می باشند . و کسلائی محترم حاضر در دادگاه با سالیان دوازدهم آموزی و تجربه اندوزی دادرسان محترم را در کشف حقیقت یاری میدهند .

دانشجویان عزیز خواه در کسوت اتهام و خواه در کسوت تماشاچیی دانشمندانسی هستند که با محرك و پویائی خاص مراحل علمی را در رشته های مختلف پشت سر گذاشته آماده رهبری جامعه میشوند .

تصدیق خواهند فرمود سخن گفتن این جانب در چنین محیط علمی با بضاعت مزجاء کارآسان نخواهد بود لذا از کلیه برا داران و خواهبران گرامی تقاضا دارد هرگاه سخنی اشتباه گفته شد یا اشت فرموده پس از ختم جلسه دادرسی با تذکرات و راهنماییهای خود قرین امتنانم فرمایند .

ثالثاً : " با توجه بمسئولیت مذهبی و اجتماعی و قانونی سخن خواهم گفت و موضوع مورد بحث علم ، قانون اساسی و کیفر خواست خواهد بود .

(مبحث اول)

برای درك حقيقت يك چيز يا يك پديده علمي ناچاريم آنها از سه جهت مورد مطالعه و مذاقه كامل قرار دهيم گذشته : حال و آينده ، هيچ چيز در جهان مخلوقات وجود ندارد مگر آنكه در داييره شمول اين سه اصل اساسي قرار گرفته باشد .

از گذشته چه ميدانيم ؟ تاريخ مدون بشر بر فرض صحت بيش از چند قرن از عصر چمد ميلياردي سالسي جهان را ثبت نكرده است ؟ منظومه شمسي ما در مقايسه با عظمت كائنات كهكشانها كه با ارقام ميايونها سال نوري محاسبه ميشود مانند دانه خشخاش است در مقابل خورشيد يا كمر .

كره زمين در مقايسه با عظمت جهان آفدينش چه موقعيتي دارد ؟ وقتي حلقه هاي متمادی سلسله حوادث گذشته گيتي تا بي نهايت بر ما مجهول است چگونه قادر بدرك موقعيت خود خواهيم بود ؟

همچنين حلقه هاي زنجير حوادث آتسي تا بي نهايت بر ما نامعلوم ميباشد با يکقسمت از ميانه زنجير حوادث بهم پيوسته جهان كه تابع قانون علت ميباشد چگونه ميتوان بكشف حقيقت و قضاوت ، صحيح دست يافت ؟

توجه باین مطالب است که دانشمندان و متفكرين را در مقابل سه مسئله اساسي قرار داده است :

از كجا آمده ايم ؟ براي چه آمده ايم ؟ بكجا ميروييم ؟

تفكر درباره اين مسئله است كه انسان را از ساير موجودات ممتاز ساخته و پهنه صحراها و ژرفاي درياها و فضاي بيكران آسمانها را جولانگاه اندیشه و مسخر تلاش خستگي ناپذيري قرار داده است .

اي برادر تو همه اندیشه اي مابقي خود استخوان وریشه اي گير بود اندیشه اي گل گلشنی و بود خاري كه همه گلشنی

نظر باصل جهالت و نداشتن قدرت علمي و عقلي كامل براي كشف حقيقت ناچاريم بخالق علم و عقل و نور و قدرت يعني ذات بيمثال احديت مراجعه نمائيم .

شاعر با نوقسي حالت قبل از خلقت عالم و آدم را چنين توصيف کرده است :

در آن خلوت كه هستي بي نشان بود	نكمن نيتي عالم نهان بود
وجودي بود از نقش دوئي دور	ز گفت گوگوي مائي و توي دور
وجودي مطلق از قيد مظاهر	بهنور خويشتن بر خويش ظاهر
دل آراشاهدي در حجله غيب	مبرا دامنش از تهمت عيب
نواي دلبري با خويش ميساخت	قمار عاشقي با خويش ميباخت
برون ز خيمه ز اقليم تقيدس	تجلي كرد در آفاق و انفس

بهر آئينه اي بنمود روئي

بهر جا خواست از وي گفتگوئي

خلقت عالم و آدم

جهان با تلم مظاهر وجود خلق شد و نظام دقیق آفرینش طی دورانهای متمادی که در قرآن کریم به شش دوره تقسیم شده بر عالم هستی حکم فرما گردید .

انواع موجودات بصورت های جمادی ، نباتی و حیوانی در پهنه بی انتهای گیتی پدیدار گشت ؛ فرشتگان به تسبیح و تهلیل و عبادت و اطاعت در برابر ذات یکتای بی همتا پرداختند :

آرامشی کامل ولی تقریباً "یکنواخت بر کائنات حکم فرما بود .

مشیت پروردگار عالم بر خلقت آدم در امرکن تکوین یافت و در زمان مناسب با ندمای فیکون قرین گشت ، آدم خلق شده از خاک در برابر خیل فرشتگان پاك قرار گرفت و موجب شگفتی شدید گردید ، در پی آرام زندگی طوفان و موج آفرید و لرزه بر ارکان حیات افکند .

نعره زد عشق که خونین جگری پیدا شد	حسن لرزید که صاحب نظری پیدا شد
فطرت آشفته که از خاک جهان مجبوس	خود گری خود شکنی خود نگری پیدا شد
خبری رفت ز گردون شبستان ازل	چند ای پرورگیان پرده دری پیدا شد
آرزو بیخبر از خویش باغوش حیات	چشم واگرد و جهان دگری پیدا شد
زندگی گفت که در خاک تنیدم همه عمر	تا از این گنجینه دری پیدا شد

آدم با کسوت خلیفه الهی تاج گرمنابر سر مورد اعتراض فرشتگان قرار گرفت و برای مقابله با آنان باراده خلاق علیم یا سلحه علم مجهز شد . (ترجمه آیات المیزان)

هنگامی که پروردگار توبه فرشتگان فرمود من در زمین جانشینی قرار میدهم گفتند آیا کسی را قرار میدهی که در آن فساد و خونریزی کند در حالی که ما حمد و تسبیح تو میگوئیم و برای تو تقدیس میکنیم ؟ فرمود من چیزی میدانم که شما نمیدانید و تمام اسماء را بآدم آموخت بعداً " آنها (مسماهای آن اسماء) را بفرشتگان عرضه داشت و فرمود اگر راست میگوئید از اسماء و فاممهای اینها بمن خبر دهید : گفتند خداوند انزه ای جز آنچه بما آموخته ای چیزی نمیدانیم تودانا و حکیمی : فرمود ای آدم از نامهای آنها فرشتگان را با خبر ساز هنگامی آدم ایشان را آگاه ساخت فرمود : نگفتم من غیب آسمانها و زمین را میدانم و آنچه ظاهر می آید و یا مخفی میکنید با خبر هستم .

نکته جالب این است که خداوند قادر قاهر منظور خود را بفرشتگان با قدرت تحمیل نمیکند ، بلکه با منطق علمی مورد قبول آنان را به تسلیم در مقابل حقیقت وادار میسازد سپس بفرشتگان امر میکند که بآدم سجده کنند ، همه اطاعت میکنند بجز شیطان .

آدم با این اهمیت دستور مییابد ، هرکاری که خواست دست بزند فقط بشجره ممنوعه (گندم) نزدیک نشود ، شیطان آدم را گمراه کرد و آدم نتوانست خود را در مقابل یک نهی نگاه دارد و از بهشت ، اخراج شد .

آدم دوران طولانی فراق را با پشیمانی شدید سپری میکند و آنقدر به درگاه پروردگار ناله و استغاثه میکند تا خداوند رحمن کلماتی باو البقاء میکند که موفق بتوبه و قبول آن میشود و در مدار حرکت تکاملی قرار میگیرد .

غرض از ذکر وقایع فقط نقل حوادث تاریخی نیست بلکه مقصود نتیجه گیری از وقایع تاریخی

و عدم تکرار اشتباهات گذشتگان است که در اصطلاح علمی امروز فلسفه تاریخ نامیده میشود .
خمیر مایه ساختمان بهیکل آدم طین للرب بعبارت ساده تر لجن میباشد وقتی بامـــــ
خداوند در روح در قالب آدم دمیده شد خلقتش کمال یافت و صاحب بدنائی
و شئوئی و عقل و سایر قوا گردید .

جالبترین شاهکار خلقت خداوند تلفیق لجن متعفن با روح پاک مجرد در کالبد آدم است و
درست به همین علت است که خلاق علیم پس از خلق آدم فرمود فتبارک الله احسن الخالقین و این جمله
در خلقت آسمانها و زمین و سایر موجودات هرگز بکار نرفته است .

همه آئینه رخ آدم
آدم آئینه طاعت اوست

دار

طبع لجن آدم را بگناه و کارهای خلاف عقل و علم وادار میکند ولی نیروی روح پاک رو بسوی ملکوت اعلا ی قرب
خداوندی دارد و آدم ضعیف بی تجربه تا پایان عمر کوتاه خود در میان این دو کشش سیر میکند و هر روز
و هر ساعت بر سرد و راهی قرار میگیرد .

آدم دو فرزند دارد یکی قابیل و دیگری هابیل ، قابیل مطهر طینت لجن
و هابیل مطهر طینت پاک اوست ، قابیل دست به برادر کشی میزند و بدین ترتیب نام اولیـــــ
شهید و اولین شهید کشته شد در تاریخ ثبت میشود .

قانون تکامل تدریجی بر مخلوقات حکومت دارد ، این تکامل را در فرد و اجتماع میتوان مشاهده کرد ،
فرستادگان خداوند نیز از این قاعده مستثنی نیستند آدم برای رسیدن بکمال سه چیز نیاز دارد :

مبدء حرکت ، مقصد حرکت و مسیر حرکت ، هدایت خداوندی او را در مسیر حرکت
تکاملی قرار داد مقصد کجاست؟ مقصد آدم و تمام رسولان بعد از او رسیدن به نمونه کامل
خلقت یعنی وجود پاک خاتم النبیین (صلی الله علیه و سلم میباشد) در غیر این صورت حرکت مبهم
و بی هدف بود .

در تأیید مطلب کلام پیامبر بزرگوار اسلام است که فرمود : کنت نبیا و آدم الماء والطین
(من پیامبر بودم در حالی که آدم بین آب و گل بود) همچنین کلام مولای متقیان علی علیه السلام :
کنت ولیا و آدم بین الماء والطین (من ولی بودم در حالی که آدم بین آب و گل بود) نوح آدم تکامل
یافته و ابراهیم نوح کامل شده است .

به همین نحو امتهای پیامبران نیز از کلاس بکلاس دیگر ارتقاء یافته ، رشد و تکامل پیدا کردند .
بفناور کوتاه شدن سخن فقط خلاصه شرح حال ابراهیم (ع) را بیان میکنم .

خلاق علیم برای ارشاد بینندگان سه نوع مطالعه ارائه فرموده ، مطالعه در آفاق ، مطالعه
در انفس ، مطالعه در کتاب مدون الهام شده به پیامبر (ع) ، ابراهیم علیه السلام بمطالعه در
آفاق پرداخت ، جلسه اول ستارگان را مورد توجه قرار داد که اجرام دنیا و نورانی بودند وقتی افول
کردند از آنها روگردان شد .

جلسه دوم ماه جلب توجهش را کرد که از ستاره ها پرنور تر بود ، وقتی غروب کرد از آن نیز
منصرف شد .

جلسه سوم بخورشید توجه کرد که بزرگتر و پرنور تر از سایر کواکب بود ، خورشید هم غروب کرد
سه جلسه مطالعه در کتاب اب آفرینش با ابراهیم (ع) آموخت آنچه نباید دلبستگی را نشاید ، این مطلب
در جمله ای کوتاه ، کوبنده و دائمی از قلب و فکر ابراهیم بر زبانش جاری شد :
۱۱۰۰۲۷۵

لا احب الا فلین ، سپس جمله دوم را گفت که مکمل جمله اول بود :

انسی وجهی للذی فطر السموات والارض با این دو اصل اصل بسوی بت تراشان و بت پرستان حرکت کرد و در مذمت بتها که معبود مردم بودند سخن گفت و بتهای مصنوع بشر را بزیر پا انداخت و بر زمین کشید ، **نمرود را** بیدار نشدند .

روزی که مردم به بیرون شهر رفته بودند ابراهیم موقع را مغتنم شمرد و وارد بتخانه بزرگ شهر شد با تبر بتها را شکست و از مقام الوهیت بر خاک مذلتشان افکند سپس تبر را بر دوش بت بزرگ قرار داد ، مردم به شهر بازگشتند ، خدایان دروغین را متلاشی شده یافتند ، طاعونیان بعنوان دفاع از دین و مقدسات مردم را تحریک کردند ، گفته شد بت شکن جوانی است بنام ابراهیم مقرر شد او را برابر مردم حاضر کنند تا با دیدن او هر چه میدانند بگویند ، بت شکن بزرگ با تکیه بر قدرت لایزال خداوند متین و استوار پیش میرفت تا در مقابل **نمرود** قرار گرفت ، گفتند : ای ابراهیم چرا بتان عزیز و محبوب ما چنین کردی ؟ گفت این کار را بت بزرگ کرده است بروید از وی سوال کنید گفتند : بت

نمیشود و قادر بسخن گفتن نیست ؟ ابراهیم گفت معبودی که قادر بشنیدن و گفتن و دفاع از خویش **نبا** لایق پرستیدن نیست ، مردم بفکر فرورفتند نزدیک بود از خواب گران غفلت و اغفال حکومت بیدار شوند ، که **نمرود** دستور داد : ابراهیم را بجرم اهانت به معبودان بی خاصیت آتش **افکنند** ، آتش **بر** ابراهیم گسیختن شد چو ؟ چون اعتنائی بنمرود و غرودیان نداشت ، تازید آفل ابراهیم دست در میان شعله ها نیکو نشست .

بت شکن بزرگ تاریخ در برابر امتحان سخت دیگری قرار گرفت امر شد اسمعیل را قربانی کند : مرد شد امر مکرر شد این بار مبارزه با بت نفس و خود خواهی است که بسیار مشکل است ابراهیم مصمم **بذبح** جوان عزیزش شد که امر بتوقف رسید و فدیه **بذبح** عظیم مقرر گردید که مقصود وجود **بذبح** حسین علیه السلام است که بموقع بیان خواهد شد .

مقام ابراهیم بدانجا رسید که **خداوند** فرمود **ان ابراهیم کان امه فاشا لله حیطة و ما کان من المشرکین** (ابراهیم به تنهایی **یک است** آنها **نه امت** معمولی ، امت خدا پرست حق گرای ، رشد و تکامل پیامبران پیوسته ادامه یافت تا مقصود غائی از این همه هیاهو و حرکت آشکار شد و نمونه کامل انسان و گل سر سبد جهان آفرینش و خاتم پیامبران قدم بعمره وجود نهاده . نور جمال محمدی (ص) در تاریکیهای جهل و بت پرستی قتل و غارت ، دزدی و خوارنریزی طالع و جهان تاریک را روشن ساخت ، مکتب توحید ابراهیمی را از آل و دگیهای گوساله پرستی **سارک** و تثلیث کلیسائی پاک کرد ، و اصل ابراهیمی در یک جمله کوتاه بایست جهان معنی از زبان خاتم پیامبران (ص) بجهانیان اعلام شد :

((لا اله الا الله))

بت تراش **ان** و بت پرستان بوحشت افتادند ، طاعونیان بر خود لرزیدند ، قیصر و کسری تکان خوردند :

تا قدم اندر جهان زد آن شهنشاه جهان خسر عرش آستان شاه ملایک پاسب **ان** غره کسری شکست **بذبح** بانسی **ان** آب **بذبح** آرد خاک سیه آمد نه **ان** فارس را آتش خموش از آب این دریایی

طاعونیان بحق ترسیده بودند زیرا کودک یتیمی به تنهایی در برابر تمام صاحبان و تخت و زر و

و قدرت شقاوت و جنایت قیام کرده بود ، بسال لای نافیہ سراسر وجود را زیر سلطه گرفته و تمام معبود های سنگی ، چوبی ، حیوانی ، انسان نما ، زیبائی ، مقام و ثروت را بزباله تاریخ ^خ فرستاد طوفان لا اله الا الله بفرش آمد و در برق شمشیر گرد افکن علوی (ع) تمام بتها را از خانه کعبه فروریخت سپس خانه دلها از لوث وجود معبود های قلابی پاک شد : پس از آرامش طوفان لا اله الا الله و نفی بتها کلمه مکمل الا الله در ضمیر مردم نقش بست و دوران سازندگی آغاز شد .

تمام دوران زندگانی بنی اکرم (ص) بجهاد بابت پرستان و شرکیه گذشت نتیجه ، سالیان دراز و کوشش و تلاش آن جناب تربیت مردان بزرگی است که در رأس همگی آنان وجود مقدس امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام قرار داد آن کس که بامر خداوند و اعلام رسول گرامی ، بحق جانشین پیامبر بزرگوار اسلام گردید منافقین که بطاهر مسلمان بودند بسا کودتای سفیفه بنی ساعده اسلام و بشریت را در زمانی مناسب و مدتی طولانی از فیض رهبری و هدایت محروم کردند زندگانی اولین مظلوم سقیفه پس از کودتای در دو جمله خلاصه میشود :

(بیست و پنجسال سکوت برای وحدت ، پنجسال حکومت برای عدالت .)

در باره شخصیت والای علی علیه السلام کتابها نوشته شده ولی چه کسی میتواند بمقام ولایت اللهم پی ببرد ؟ پیمانه کردن اقیانوس با ظرف چند لیتری امکان پذیر نمیشد ، سراسر قرآن را مدح علی (ع) فرا گرفته ، ابن حجر عسقلانی از برادران سنی در کتاب صواعق المحرقه سیصد آیه در شأن مولای متقیان نقل میکند :

مولای متقیان با مقام عالی عرفانی میگویی :

روعی نشد از سر علی کس آگاه زیرا که نشد کس آگاه از سر اله
یک ممکن و اینهمه صفات واجب لا حول ولا قوه الا بالله

جرج چورداق مسیحی لبنانی چند جلد کتاب درباره حضرت علی علیه اسلام نوشته بنام الامام علی صوت العدالة ^{نشان} این کتابها بفارسی ترجمه شده است . « زمانه ما »

نظرباینکه اولین اصل اسلام توحید است و نظر باینکه شناخت توحید خالص بسیار مشکل میباشد و ^{نشان} دانشمندان بزرگ اسلامی را در مرحله بلرک توحید دیده ام با توسل بذیل عنایت ولی الله اعظم توحید را بیان میکنیم که با علم بآن در ورطه شرک سقوط نکنیم :

” ترجمه — اول دین معرفت او (خدا) است و کمال معرفتش تصدیق به اوست و کمال تصدیق به او توحید او است و کمال توحیدش اخلاص به اوست و کمال اخلاص بوی نفی صفات از اوست زیرا هر مفتی شهادت میدهد که غیر از موصوف است و هر موصوفی شهادت میدهد که غیر از صفت میباشد ، پس کسی که خدا را وصف کرد او را قرین صفت کمالش قرار داده است و هر کس او را قرین قرار داد و تایش کرده است و هر کس د و تایش کرد تجزیه اش کرده است و هر کس تجزیه اش کرد او را ^{نشان} مجزئ و مجهولش قرار داده است و هر کس او را نشناخته و مجهولش قرار داد در وصف خود بوی اشاره کرده است و هر کس اشاره کرد محد و دش گرفته است و هر کس محد و دش گرفت او بشماره عددی آورده است .)

در زمان حکومت با نان خشک جویی و لباس و کفش وصله زده زندگی میکند با کوشش خستگی ناپذیر در راه اسلام با دشمنان داخلی و خارجی جهاد میکنند شخصا با حداث —

فتوات و نخلستانها اقدام سپس بقرا می بخشد ، چنان بعدالت رفتار میکند که هیچ ظالمی را یا رای ستمگری نمی پایبند .

عبد الرحمن ملجم مرادی با تصمیم قبیل خلیفه مسلمین آزادانه میگرد و وقتی عمال حکومت به علی (ع) تذکر می دهند ، عبد الرحمن قصد قتل شما را دارد میفرماید چون — مرتکب جرمی نشده نمیتوان او را حبس یا تبعید کرد .

وقتی در حال نماز فرق مبارکش با شمشیر جنایت شکافته میشود سفارش قاتل را بفرزدان خود میکند میفرماید بید او را آزاد نکنید از غذا علی که بمن میدهد یا وهم بدهید اگر زنده ماندم خود تصمیم خواهم گرفت اگر از دنیا رفتم چون یک ضربت بمن زده فقط یک ضربت با بزنید مبادا او را مثله کنید :

بجز از علی که گوید به پسر که قتل من چو اسیر تست اکنون با سیر کن مدارا اولین امام شیعه در محراب عبادت شهید شد : ندارد بگویی کسی این سعادت بکعبه ولادت بمسجد شهادت امام دوم شیعه امام حسن (ع) با سم بشهادت رسید .

امام حسین علیه اسلام شور شهیدان و آزاد مردان جهان در قیام خونین کربلا برادر و فرزندان و برادرزادگان و یاران خود را فرد نبود با یزید پلید قربانی کرد و با خون پاک خود نهان اسلام را آبیاری نمود ، بساط ظلم و بیداری و عوام فیهی یزیدی را فرو ریخت زینب کبری ، علیه اسلام پیشاپیش کاروان سیزان رسالت قیام حسینی را بجهانیان اعلام کرد و پرده از چهره ریاکار و کثیف یزید بر گرفت و او را آنطور که بود بمردم شناساند :

بزرگ فلسفه قتل شاه دین این است که مرد سرخ به از زندگی سنگین است شیعیان با انتخاب یکی از سه راه که در برابرشان قرار گرفته وضع خود را مشخص کرده و میکنند اگر تصمیم بقیام علیه ظلم و بیدادگری (با اجازه مقام رهبری) گرفته و کشته حسینی خواهند بود .

اگر در تبلیغ و مردنی قیام حسینی بکوشند در این صورت زینبی خواهند بود ، اگر بهیچ یک از دو تصمیم عمل نکنند بدون شت یزیدی خواهند بود .

کتابخانه آیت الله العظمی «طالقانی و زمانه ما»

تمام ائمه شیعه علیهم السلام را شهید کرده هندی علمای بزرگ شیعه اعمال حکومتی حاجرت رسانده اند افراد شیعه را گروه گروه در میان دور داشته یا بوسائل دیگر شهید کرده اند .

شیعه بقریب پاک حسینی نماز میگذارد شیعه تربت پاک حسینی را در حلق طاف شیرخوار میبیزد ، شیعه تربت حسینی را در کفن مرد میگذارد چرا ؟ مفسر عظیمی در این امر نهفته

است : یعنی ای شیعه آگاه باش که ممکن است محراب عبادت قتلگاه تو باش شیعه بیدار باش از گهواره تا گور مسأله مسئله مطرح است ، مسئولیت اتو دائم علی است .

امام صادق علیه اسلام فرمود هر ماه محرم است و هر روز عاشورا است و هر زمین کربلا است .

اقبال لاهوری فیلسوف بیدار و متعهد اسلام خود را چنین معرفی میکند :

ما بنگر که در هندوستان دیگر نمی بینی بر همین زائهای دزد آشنا مردم و بزرگ :

این مرد از قیام حسین علیه اسلام درس آموخته و استباط خود را چنین بیان کرده است :

تبریزی

سر و آزادی زیستان رسد
معنی ۳ بیع عظمی
شوخ این مصرع از مضمون

یعنی آن اجمال را تفضیل بود

مقصد او حفظ آئین است و بس

ملت خوابیده را بیدار کرد

سطر عنوان نجات ما نوشت

سطوت غرناطه هم از بیستاد رفت

معنی ذبیح عظیم آمد پس

دوستان او بیستادان (هم عهد)

بایدار و تند و گاهک

پیش فرعون سرش افکنده نیست

از رگ ارباب باطل خون کشید

ز آتش او شعله انداخت

تازه از نغفه اشرار روز

ای صبا ای پیک دور افتادگان

اشک ما بر خاک پاک اورس

امام صادق علیه السلام نکته جالب دیگری فرمود: جدم حسین ع را در کربلا شهید نکردند بلکه در سقیفه بنی ساعده شهید کردند.

چرا مذهب شیعه را مذهب جعفری گویند (قانون اساسی) ؟

تمام دوازده امام معصوم و از نور واحدی هریک به مقتضای زمان و امر الهی (ما منطبق عن الهی) بوظائف خود قیام و اقدام کرده و میکنند.

امام صادق علیه السلام از فرصت دوران انتقال سلطنت امویان به عباسیان استفاده فرموده، معارف اسلامی را تدریس کرد. قریب چهار هزار دانشمند در رشته های مختلف علمی از محضر ایشان بهره مند گردیدند، برای اینکه دانشجویان عزیز تصور نکنند اغراق میگوییم ناچار کتابی را معرفی میکنیم.

مجمع مطالعات مربوط بمسائل اسلامی در استراسبورگ با شرکت بیست و پنج تن استاد دانشگاههای مختلف جهان و دانشمندان محقق پس از سالیان دراز تحقیق درباره اسلام، و شیعه حاصل تحقیقشان یکقسمت مربوط میشود، با امام جعفر صادق علیه السلام که بزبان آلمانی تألیف و توسط آقای ذبیح الله منصوری ترجمه و چندین بار چاپ شده است، کتاب (مغز متفکر جهان شیعه) نام دارد.

استادان محقق از اطلاعات وسیع علمی امام صادق ع در رشته های مختلف دچار حیرت و شگفتی شدید شده اند، برای استحضار برادران و خواهران گرامی چند نمونه عیناً نقل میشود:

آن امام عیسیٰ بن مریم بود

الله الله بای بسم الله پدر

سرخ روحی عید از خون او

دشمنان چون رگ بر صحرای لاله

شتر ابراهیم را سمیعیل بود

غرم او خون کوه را را که آلود

تبعی به عزت دینی است پس

مالوی الله را مسلمان شده نیست

خون او لغیر این اصرار کرد

تبعی لا حول از خاک پیروی کرد

نفس الا الله بر صحرای لاله

رقرقر آه از غمی آموختیم

توکت روم و فرقه ادب رفت

بار ما از زخمه اسیر لرزان هنوز

ای صبا ای پیک دور افتاد گاه

ایست ما بر خاک پاک اورساک

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

سرو ارادی ز لبان رسول

مغنی دج عظیم آمد پیر

کوفی این مصرع از مضمون او

دولتان او بیزدان ^۱ هم عدد

نقی آن اجمال را تفصیل بود

بایداد و تند بر و کاکار

مصدق او حفظ آئین است پس

پیش فرعون مرش آکنده نیست

ملت خوانیده را سدار کرد

از رگ ارباب باطل خون کشید

طرح عدوان کلمات ما نوشت

ز آتش او شد ^۲ اندوختیم

سلطنت عمره کلمه هم از یاد رفت

باز از تکبیر او احسان هنوز

۱ بیزدان = ۷۲

در سن دوازده سالگی در محضر درس پدر فرمود : زمین بدور خورشید میگردد و اگر خورشید بدور زمین گردش کند باید منطقه **البروج** را در شبانه روز یکبار رها کند که امکان ندارد و نظریه اقلیدس و بطلمیوس را غیر صحیح اعلام کرد .

آنچه امام جعفر صادق ع راجع بزمین و آفتاب گفته اگر در اروپا بر زبان آورده میشد گویند را تکفیر میکردند و در آتش میسوزاندند و یا برابر قانون ورون (۱۱۸۳) سر از پیکرش جدا میکردند . اولین کسی که عقیده **فخام** اریستو را متزلزل کرد ؟

امام جعفر صادق علیه اسلام در محضر پدر با علم فیزیک آشنا شد و همانطور که در علم جغرافیا بنظریه گردش خورشید بدور زمین ایراد گرفت **فیمثانی** از فیزیک ارسطو را مورد ایراد قرار داد در صورتی که هنوز بدوازده سالگی نرسیده بود ، روزی باین قسمت از فیزیک ارسطو رسید که در جهان بیش از چهار عنصر وجود ندارد ، که عبارت است از خاک و آب و باد و آتش ، جعفر صادق ع ایراد گرفت و گفت حیرت میکنم که مردی چون ارسطو چگونه متوجه نگردیده است که خاک یکعنصر نیست بلکه در خاک عناصر متعدد وجود دارد و هر یک از فلزات که در خاک میباشد یک عنصر جداگانه بشمار میآید . عنصر دیگر را هم از لحاظ بسیط بودن تخطئه نمود و گفت باد یک عنصر نیست بلکه از چند عنصر بوجود آمده است ، امام جعفر صادق ع هزار و یکصد سال قبل از علمای قرن هیجدهم میلادی در اروپا که اجرای هوا را کشف و از هم جدا کردند گفت که باد یک عنصر نیست بلکه از چند عنصر بوجود آمده است .

بعد از اینکه لایوازیه اکسیژن را از گازهای دیگر هوا جدا کرد و نشان داد آنچه سبب حیات جانداران میشود اکسیژن است دانشمندان کارهای دیگر را که در هوا وجود دارد از لحاظ حفظ حیات بیفایده دانشمند و این نظریه مخالف با نظریه امام جعفر صادق ع بود که گفت تمام اجزائی که در هوا برای تنفس ضروری است اما در نیمه قرن نوزدهم میلادی دانشمندان نظریه خود را راجع بآکسیژن از لحاظ تنفس تصحیح کردند ، چون مسلم شد که اکسیژن گرچه مایه حیات جانداران است اما موجودات جاندار نمیتوانند اکسیژن خالص را برای مدتی تنفس کنند زیرا سلولهای جهاز تنفس آنها میسوزد ، بعد از اینکه علما نظریه خود را در مورد اکسیژن از لحاظ تنفس تصحیح کردند معلوم شد که نظریه امام جعفر صادق ع درست است .

تئوری نور از نظر امام جعفر صادق ع (ع)

یکی از **مباحث** علمی امام جعفر صادق ع نظریه او را جمع بنور میباشد او گفته است که نور از طرف اشیاء بسوی چشم ما میآید و از آن نور که از طرف هر شیئی بسوی چشم ما میآید فقط قسمتی بچشم ما می آید و بهمین جهت ما اشیاء دور را بخوبی نمیبینیم و اگر تمام نوری که از شیئی دور بچشم ما میآید پدیده برسد ما شیئی دور را نزدیک خواهیم دید و اگر میتوان چیزی ساخت که بدان وسیله تمام نوری را که از یک شیئی دور میآید بچشم تابانید در صورتی که در فاصله سه هزار ذرع میچرید در فاصله شصت ذرعی خواهیم دید یعنی پنجاه بار آن را نزدیکتر مشاهده خواهیم کرد .

بعد توضیح داده که چگونه بدست رابریکون انگلیسی رسیده و سپر فلاماندی و گالیه
دوربین را ساخته اند .

نظریه راجع بساختن بدن انسان :

او میگفت تمام چیزهاییکه در خاک هست در بدن آدمی وجود دارد اما به يك اندازه نیست و بعضی از
آنها در بدن انسان خیلی زیاد است و بعضی از آنها خیلی کم .

در بین چیزهایی که در بدن انسان زیاد است مساوات وجود ندارد و بعضی از آنها
از بعضی دیگر کمتر می باشد ، او گفت چهار چیز است که در بدن انسان زیاد می باشد و هشت چیز
است که در بدن انسان کم می باشد و هشت چیز دیگر در بدن انسان خیلی کم است .

این نظریه که راجع به ساختن بدن آدمی از طرف آن مرد اهل زگردیده آنقدر غرابت دارد که گاهی
انسان فکر میکند آیا همانطور که شیعیان عقیده دارند امام جعفر صادق ع دارای علم امامت
بوده و این نظریه را از علم امامت استنباط کرده نه از علوم بشری .

آنقدر مطالب علمی بیان شده که در اینجا با وقت تنگ امکان ذکرش نیست ، وقتی
قانون اساسی ایران و متمم آن مذهب رسمی ایران را مذهب جعفری اثنی عشری تعیین
میکند دارای دید جهان بینی و آینده نگری و واقع گرایی است ، اگر قانون مطابق مذهب باشد ،
نه تنها اجرای آن آسان خواهد بود حتی مردم متدین در راه اجرای اصول آن از بذل مال و جان
دریغ نمیکند مالیات بدون دخالت مأمور وصول میشود و برای حفظ امنیت بکار گرفتن اینهمه مأمور انتظامی
ضرورت نخواهد داشت و ملت و دولت در يك صف متحد پیش خواهند رفت و در مقابل دسایس بیگانگان
و مزدوران پلیس آنان چون کوهی استوار خواهند ایستاد ، و این مفایر منافع استعمارگران
نقش علمای شیعه در مبارزه با سلطه استعماری :

سید جمال الدین اسدآبادی یکی از علمای بزرگ شیعه و مجاهدین ضد استعمار است ، علامه اقبال
از شاگردان ابن مرد بزرگ است ، شیخ محمد عبده رئیس دانشگاه الازهر مصر از شاگردان سید
است ، نحاس پاشا و سایر آزادیخواهان مصر که علیه استعمار انگلیس قیام کردند ، شاگردان مکتب
سید جمال اند در زمان قاجار . ار امتیاز احمد تنباکو بیک کشور خارجی واگذار شد و تلاش مردم
برای جلوگیری از تصویب قرارداد بی نتیجه ماند با فتوای مرحوم میرزای شیرازی مجتهد بزرگ شیعه
مقیم نجف بتحريم تنباکو جامعه مصرف تکان خورد ، قرارداد استعماری رژی پاره شد مردم موفق شدند و
پیروزی خود را جشن گرفتند ولی ببینیم امضاء کنندگان قرارداد چه کردند ؟
مصمم شدند قدرت رهبری متری و مسئول شیعه را سرکوب کنند .

چون با رهبران مبارز و با تقوای نتوانستند کنار بیایند بتقویت روحانی نمایان پرداختند و آنان را یهود
جاذب کردند .

اصول مسلم اسلامی را با تفسیر و تأویلات غلط فصلی مسخ و افکار استعماری را بعنوان ،
تمدن جدید مردم قالب کردند و با ایجاد اختلاف بین مذهبی ها و متجددان چنین وانمود کردند
که دین اسلام با تمدن و نوگرایی مخالف است .

چون با اصول اسلامی نمیتوانستند ایراد بگیرند عمل عده ای روحانی نما و مزدور را بعنوان اسلام
مورد حمله قرار دادند .

پس از بیانات امیرحسینی نماینده دادستان استان مرکز، وکلای محترم مدافع متهمین مشروحاً " بدفاع از موکلین پرداختند، پس از خاتمه مدافعات وکلاء متهمین امیرحسینی نماینده دادستان بیاناتی بدین شرح ایراد کرد:

از بیانات آقای نیکوئی تهرانی وکیل محترم متهمین استفاده کرده در مورد دو مسأله که طرّح کرد **نکته** چند جمله‌ای بیان میکنم؛ سپس پیام آقای دادستان استان را اعلام مینمایم:

آقای نیکوئی از خلأ صحبت کردند و بیان نمودند در خلأ تمام اجسام با هم سقوط میکنند، بکرات دیده شده وقتی یکی از حلقه‌های زنجیر استعمار با قیام ستم دیدگان شکسته میشود تمام وسایط ارتباط جمعی استعمارگران راجع بپر کردن خلأ قدرت بحث میکنند ولی هرگز دیده نشده است راجع به خلأ فکری موجود در جهان سوم بحثی بمیان آید.

چند قرن است کشورهای استعماری سعی کرده اند بدست نوکران رنگارنگ خویش معانی عالی قرآن عظیم را از مسلمانان بگیرند و قرآن را فقط در مجالس ترحیم و مجالس عقد مورد استفاده قرار دهند. قرآن منهای جهل و نادانی و قرآن منهای امر بمعروف و نهی از منکر و قرآن منهای اولوالعراق و واقعی، وقتی در کشورهای مسلمانان و مردم سایر کشورهای استعمار زده خلأ ایجاد کردند، افکار شوم خود را در لباس تمدن و تجدد و نوگرایی جایگزین نور هدایت قرآنی کردند و ملت‌های محکوم را بجامعه مصرف تبدیل ساختند، بطرقی که در کشورهای آنگوشت طلبی؟ مونثازی است از گوشت پخ زده استرالیایی بو نخود و لوبیای پاکستانی و سیب زمینی پیچیده از هندی و فقط آب ایرانی؟؟

اگر یکماه گندم و گوشت و سایر مواد غذائی از خارج وارد نشود باید به جویدن پلاستیکی و نایب و ملایم عادت کنیم، جوانان روشنفکر کشورهای غربی نیز از این هجوم غارت‌گرانه استعمار نومصون نمانده اند.

آنان که از زندگی ماشینی سرخورده اند، آنانکه به پوچ بودن اصول اعلام شده جوامع صنعتی پی برده اند، آنانکه با مواظبت کلیسائی اقناع نشده اند، آنانکه در فلسفه کمونیسم سعادت خود را نیافته اند، ناچار بدنبال حقیقت بهرطرف میروند و بهر جا سر میکشند شایب روح ناآرام خود را آرامش بخشند.

متفکرین وابسته به استعمار نو برای آنگونه جوانان هم طراحی تهیه کرده اند و اجازه نداده اند که به سر منزل حقیقت و هدایت واقعی راه یابند.

برای آنان بت روشنفکری ساخته اند و با ارائه فلسفه اگزیستانسیالیسم و هیپیسم و آخرالمر و **لینا** ماشین زده ها و **فرام** یان تمدن قلابی را بدور آنان جمع کرده اند برای نمونه یکی دو نفر را معرفی میکنم:

(۱- لوئی ماسینیون - افسر ارتش فرانسه در جنگ جهانی دوم، رئیس فرقه تبیین کلیسائی در آفریقا بعبارت دیگر رئیس پیشقراولان استعمار جهانی، حدود سی سال در وزارت خارجه فرانسه رئیس قسمت استعماری فرانسه در شمال شرقی **آلیقا** (الجزایر) تونس و مراکش بوده است) این جناب فعلاً یکی از بتهای روشنفکری اروپا، روابط خصوصی این آقا با سیمون دوبوار هم که بت دیگر روشنفکر میباشد بما مربوط نیست.

۲- ژان پل سادتر ————— یهودی صهیونیست بت دیگر روشنفکری غرب است دادگاه قلابی هم برای محکوم کردن بعضی دول استعمارگر تهیه کرده که گاهگاهی برای انحراف افکار عمومی بعضی دولتها را محکوم میفرماید ؟ در جایی که آراء سازمان ملل متحد علیه زورگویی انسان جهان اجرا نمیشود رأی دادگاه سادتر جز فریب مردم استعمارزده چه اثری میتواند داشته باشد ؟ صهیونیسم برابر رأی سازمان ملل متحد یکی از انواع برجسته نژاد پرستی است چند نمونه او عقاید رغامی صهیونیت را بعرض میرساند ، سپس نظر به بت روشنفکران غربزده — (سادتر) را بیان میکنم که هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارد .

ناحوم گولان رئیس منظمه های صهیونیسم جهاتسی میگوید :

((ما قبل از هر چیز یهودی هستیم و برای ما فرق نمیکند چه داخل حزب کمونیست شویم و چه از اتباع امپریالیسم باشیم زیرا ما قبل از هر چیز یهودی هستیم)) سادتر آزاد میخواهد ؟ چندی پس از اشغال بیت المقدس توسط ارتش اسرائیل در ضمن سخنرانی خود اعلامیه کرده ؟ *نیز !!*
((من اول يك يهودی هستم بعد يك انسان)) واقعا آفرین بر این انسان *مغفولان*
روپوش صهیونیسم ، همین آقای ژان پل سادتر در مقدمه کتاب *Les diammés de la terre* *مغفولان* اثر فرانز قانون طرز تهیه و مورد استعمال روشنفکر سازی غرب را برای شرق نشان میدهد و میگوید ؟ ((ما عده ای از جوانان آفریقائی و آسیائی را چند ماهی به آمستردام ، پاریس ، لندن ، وبروکسل میآوریم و میگردانیم پس از چند روزی لباس اروپائی میپوشانیم و اصطلاحات اروپائی را بدوستانان میریزیم و از محترقات فرهنگ خودشان خالیشان میکنیم آنگاه اینها شکل بلند گوی پوک و پوچی میگیرند که باید بکشورهایشان بازگردانیم ، آنوقت ما مرس میزنیم و اینها مثل يك دره مثل يك آب انبار هرچه را که بگوئیم بی آنکه معنایش را بفهمند باز میگویند و آنچه بکنیم در حد *ا* در آوردن می کنند و می پندارند که خود شانند که دارند میگویند و میکنند اینها *اسمیه* هستند . وظیفه این اسمیه ها یا شبهه روشنفکران این است که پس از *کتاب* به اروپائیین بکشورهایشان بازگردانند و رسالتی را که بر *دولتشان* نهاده ایم بانجام برسانند و راه برای ورود ما هموار کنند .))

امید است جوانان عزیز ما بیدار باشند و فریب ظاهر سازان و غولان آدم نما را نخورند و اگر برای علم بخارج رفتند ، دچار بتهای روشنفکری نشوند و فرهنگ اصیل اسلامی را از دست ندهند . جمله دیگری در مورد دریای طوفانی و سرگردان ناخدا و سرنشینان کشتی فرمودند : در این مورد فقط چند بیت از مولانا جلال دین رومی بعرض حضار محترم میرسانم :

وارهان مار از گرداب بــــــلا
 در نگر این کاروان رهــــــزده
 چون تو اسرافیل وقتی راست خیز
 خیز و دردم تو بصور سهمناک
 چون تونوح ثانی ای مصافــــــحی
 غول کشتیان این بحر آمده
 رستخیزی ساز از این رستخیز
 تا هزاران مرده بر خیز زخاک

در خاتمه پیام آقای دادستان استان را بدادگاه اعلام مینمایم :

” با توجه به محتویات پرونده تقاضای صدور رأی عادلانه دارم ”

دادگاه پس از استماع آخرین دفاع متهمین وارد شور شد و رأی براءت کلیه متهمین

را (باتفاق آراء) صادر نمود . /

دوازدهم مهرماه ۱۳۵۷ شمسی هجری



کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

۱۱۵۵۲۷۵